

## حاشیه کشف المحجوب از عبدالغفور

☆ ڈاکٹر شعیب احمد ☆ فضیلت زہرا ☆ ☆

### Abstract:

Kashf ul Mahjub written by Syed Ali Hujveri, the famous saint of 5th century A.H. is the very first books written in Persian on Islamic mysticism. Syed Ali Hujveri contributed a lot in spreading Islam in this part of the world and his book is still regarded as the best available source on the subject. In this article the footnotes written by Abdul Ghafoor on Kashf ul Mahjub are being rendered.

**Key words:** Syed Ali Hujveri, Kashf ul Mahjub, Abdul Ghafoor, Footnotes.

### معرفی مولف و زمان تالیف حاشیہ

کشف المحجوب را در خراسان بزرگ ترکستان و ماوراء النهر (فرارود) بیشتر از نواحی دیگر قلمر و زبان فارسی می خوانده اند و بی تردید از همان سالهای پس از تالیف دردست خوانندگان و علاقه مندان بوده است. اما نخستین حضور آن در آثار مولفان در تذکره الاولیای عطار و ملفوظات نظام الدین اولیاء (م: ۷۲۵) می بینیم. نوشته های خواجه محمد پارسای بخاری (م: ۸۳۳) از بزرگان نقشبندیه نشان می دهد که در آن سالها این کتاب محل مراجعه خوانندگان و مولفان بوده است. (مجاهدعلی، ۲۱۲، ۱۳۸۴).

☆ اسٹنٹ پروفیسر، شعبہ فارسی پنجاب یونیورسٹی، لاہور

☆☆ پی۔ ایچ۔ ڈی سکالر، شعبہ فارسی پنجاب یونیورسٹی، لاہور

تذکرۃ الاولیاء در فاصله قرن هشتم تا اوایل قرن نهم به عربی برگردانده شد. در قرن یازدهم عبدالغفور نامی از صوفیان قادری که گویا کشف المحجوب را تدریس می کرده، بر بعضی از عبارات تعلیقاتی آن نوشته است، سخنان وی نشان می دهد که نمی خواسته مبهمات و مشکلات کتاب را برای خواننده روشن کند یا از ارزشهای کتاب آگاه کند بلکه غالباً سخنان وی در ضمن بخشهایی است که آنها را محل ایراد و خرده گیری می دیده است. (محمود عابدی، ۱۳۸۳، ۳۴)

در کتابخانه گنج بخش پاکستان، رساله ای بانام "حاشیه کشف المحجوب" با شماره ۴۰۷۵/۸۹۰ موجود است، دست نوشته این رساله بدون تاریخ کتابت و نام کاتب، خطی ناخوش و با افتادگیهایی است که بعضی از عبارات آن نامفهوم شده است. (محمود عابدی، ۱۳۸۳، ۵۴)

در تاریخ علوم و فنون اسلامی سنت حاشیه نگاری و شرح نویسی کتابهای مهم بسیار زرخیز بوده است. دانشمندان متقدم و متاخر بر متون ممتاز عربی و فارسی حاشیه آرایبی و شرح نگاری می کرده اند حتی بعضی از حاشیه ها و شرح ها بیش از متن اصلی شایسته استفاده و مقبول شدند و بسیاری از مولفین همین زمینه تفحص انتخاب کردند. در سنت قدیم علمی و درسی ما مثال های متعددی موجود اند بعضی از این حاشیه و شرح ها محققانه و مشروح و طبق نیاز های علمی و تدریسی نوشته شده اند. در آنها بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمات و تسهیل مواضع دشوار متن را مورد توجه ساخته است. این روشن است که هر یک به جای خود افادیت و ویژگی دارد که ناقابل انکار است. (دکتر معین نظامی، ۲۰۱۴، ۶)

در ضمن کشف المحجوب این امر شگفت آور است که ارباب علم و فضل مابه این متن عرفانی تو جهی نکردند حال آنکه این کتاب در قشر علما و مشایخ محبوبیت زیاد داشت. در قرن های گذشته در سرا سر جهان اسلام شرحی از این کتاب به زبان عربی یا فارسی نوشته نشد. نمی دانیم در مورد حاشیه نویسی کشف المحجوب

چه مواعی حایل بود که هیچ کس به این جانب اعنایی نکرد. بدون شك این کتاب گرانقدر شایسته شرح و حاشیه نویسی بود. در يك هزار سال گذشته، حاشیه های متون اسلامی و مشرقی به سلك نگارش آورده شدند، برای كشف المحجوب فقط يك سراغ حاشیه مختصری می بایم از آن يك نسخه خطی از دستبرد زمان مضمون مانده است. (نظامی، ۲۰۱۴، ۵۰)

عبدالغفور لاری، حاشیه نویس نفعات الانس جامی، درباره حاشیه نگار كشف المحجوب، ملا عبدالغفور چنان نظرات خود را ابراز می کند:

بهر حال مردی دانشمند بوده و نظرات خود را به نام خود نقل می کند و بارها از خود به "بنده مسکین" یاد کرده است

مولف حاشیه، عبدالغفور معرفی خود و سبب تالیف بیان می کند، می گوید:

شکسته نامراد، تراب اقدام فقرا عبدالغفور هر چند از جهت جهالت خویش به جهت قلت علم و حال مناسبت نداشتم و شرمنده بودم اما هر روز تقدیر بر تعلیق کلمات بر کشف المحجوب آورده.

اینکه عبدالغفور درباره شخصیت خود قلت علم و عدم مناسبت تذکر کرده، وی از اهمیت کار خویش خوب آگاه و معتقد به ارزش آن است، در راه این خدمت بزرگ فروتنی نشان می دهد و اقرار می کنند. حاشیه نگار به هر دو زبان یعنی عربی و فارسی تسلط کامل دارد و از منابع و ماخذ این هر دو زبان به شیوه احسن استناد و استشهاد کرده است ما از این نتیجه می گیریم که وی مشتاق مطالعه کتب تصوف و عرفان بود. وی با دقت نظر و تعمق متون عرفانی را خوانده بود. عبدالغفور با کشف المحجوب دلبستگی عمیق داشت. همزمان با حافظه نیرومند و قوی و فعال دارای ذهن استدلالی و دراک نیز بود.

مؤلف در ضمن شجره طریقت خود می نویسد:

و این مسکین مرید معتقد حضرت میران شیخ

عبدالقادر است بخمسة عشر و سايط

(نظامی، ۲۰۱۳ء، ۸)

از منابع حاشیه عبدالغفور متون دینی و فقهی چون تفسیر بیضاوی (ص ۴۵) خزانه الروایات (ص ۱۶۸) اورالنهایه شرح الهدایه (۱۶۷) تذکره الاولیای عطار (صص ۱۵۳، ۳۰) لویح جامی (ص ۳۱) نفحات الانس جامی (صص ۱۲۷، ۹۰، ۸۹) فتوحات مکیه ابن عربی (صص ۱۶۰، ۷۸)، فصوص الحکم ابن عربی (ص ۱۳۳) عوارف المعارف شیخ شهاب الدین سهروردی (صص ۱۵۳، ۱۵۲، ۸۳) نقدالنصوص (صص ۱۳۴، ۱۳۳، ۹۸، ۹۵) و مثنوی سلسله الذهب جامی (ص ۱۳۶) شامل اند.

در حاشیه عبدالغفور ابیات عطار، جامی و حافظ نیز دیده می شود از آنها به نتیجه می رسیم که مولف با آثار مکتب ابن عربی علاقمندی ویژه ای داشت. ذوق شعری اش نیز پخته بود، اگرچه در عبارات زیاد ابیات نمی آورد فقط آنجا که ناگزیر است.

مولف در حاشیه اکثر و بیشتر از کاستی ها مسامحت ورزیده، از قبیل نوع خط، مسامحه در نقطه گذاری و جزآن. اگر چه از ارزش کار خود آگاه است با وجود این سهو هارا نادیده می گیرد.

نسخه خطی حاشیه عبدالغفور تاحدی غلط های املائی و کتابتی دارد قیاساً نوشته در قرن دوازدهم هجری در خط نستعلیق شکسته آمیز، کاتب این نسخه در هنر خود ورزیده و پخته هست ولی زیاد با سواد نیست یا دقت نظر را رعایت نمی کند. در کتابت هر نوع اغلاط و جود دارد. گاه گاهی عبارات عربی در خط نسخ هم نوشته شده، این همه مسایل این متن را خیلی دشوار می سازند. بهر نوع اهمیت و افادیت حاشیه عبدالغفور مسلمه است. (نظامی، ۲۰۱۴، ۱۴)

این حاشیه از متون استثنائی قرن پنجم محسوب می شود. این نه صرفاً ادبی است بلکه محتوی آن کاملاً دانش و عرفان است. این پیوند معنایی مانند رشته ای به

یکدیگر پیوسته در سر تاسر حاشیه محسوس می شود. این اثر بن نظیر عبدالغفور از ارزشمندترین ذخایر و منابع غنی و پربار تصوف اسلامی به شمار می رود که آکنده از تفکرات عمیق و دقیقی است.

در این مورد نکته دیگر نیز هست که هدفی پیش نویسنده است در نوشتن حاشیه، آن آموزش عرفانی عملی است. وی بر درونمایه نظر دارد. بانگاهی نقادانه به دور از تعصب، هر جا که لازم می داند بررسی می کند. به همین سبب، بر پایه هدف های تربیتی، وی در تبیین و گسترش عناصر شخصیت ها، به راحتی از این بار مسئولیت بر آمده است.

یکی از ویژگی های حاشیه عبدالغفور این است که در سراسر کتاب حضور نویسنده محسوس است به گونه ای صریح و مستقیم به معرفی خود و اظهار نظر می پردازد.

به عنوان مثال:

می گوید: شکسته نامراد، تراب اقدام فقراء عبدالغفور، هر چند که از جهت جهالت خویش به جهت قلت علم و حال مناسبت نداشتیم و شرمنده بودم اما هر روز تقدیر بر تعلیق کلمات بر کشف المحجوب آورده قدس الله سره المقدس.

بر صفحه سوم حاشیه، عبدالغفور نوشته است:

و پیش از شروع در مقصود فهرست کتاب می نویسم در بعضی جا به لفظ مصنف و در بعضی جا به اعتبار حاصل معنی تا دریافت آسان گردد. فصل اندر ابتدای کتاب نام ثبت کردم یعنی در موجب ثبت کردن نام خود در کتاب آنچه گفتم که طریق استخاره سپردم.

بر صفحه چهارم می نویسد: آنچه گفتم که من از خداوند توفیق واستعانت خواهم یعنی در موجب توفیق جستن فصل در صورت السؤال یعنی در بیان کیفیت السؤال. در سراسر حاشیه حضور نویسنده همچنین مستقیم و پررنگ تراست:

البته بدورسد که لون قصد نویسنده در این کتاب ساری است و اثبات مذکور خلاف غرض مصنف است و چون مرا بدین تجربه افتاد امید وارم که بدین نوشتن جبران شود که این ممد است بر مقصود مصنف هر چند که استعداد نیک دارم اما امیدوارم که به حسن نیت مصنف ملحق کنند که حسن نیت از کسی میسر شود که از طلب ریاست و جاه دنیارسته باشد بدان که دعای خواص را تاثیر شدیدی است اگر نصیب عوام و خواص را برعکس بگیرد، بهتر می باشد. بیت:

مقالات مردان ز مردی شنو

نه از سعدی و سهروردی شنو

عبدالغفور بر صفحه ۲۹ می نویسد:

نقل است که حاتم اصم از احمد جنبل پرسید که روزی را می جویی؟ گفت: بلی، حاتم گفت: پیش از وقت می جویی یا در وقت می جویی یا پس از وقت می جویی؟ احمد ندیشه کرد که اگر گویم پیش، گوید روزگار خود ضایع کنی و اگر گویم پس از وقت، گوید چه خوبی آن که آن از تو بود گذشت، اگر گویم در وقت، گوید چرا مشغول می شوی به چیزی که حاضر خواهد بود. فردماند در این مسئله بزرگی کذافی تذکره و بنده مسکین چنان می داند که احمد را بود که می گفت که پیش از وقت رسیدن و در وقت جستن می جویم که وقت جستن می جویم که وقت جستن سابق است از وقت رسیدن. (رنولدالن نکلسن، ۱۳۷۰، ۲۴۷)

نمونه ای از استناد به آیات قرآن

عبدالغفور در تبیین اندیشه های خود و تاثیر بر مخاطب بسیار موفق عمل کرده است. با ارائه مفاهیم متعالی این حاشیه را به یکی از بهترین و آموزنده ترین متون صوفیانه تبدیل کرده است. برای فهماندن مطالب پرارزش و نکته های وقیع خود از آیات قرآن استمداد کرده است.

نویسنده حاشیه گرایش به عرفان دارد می گوید خدای متعال قادر مطلق است

فقط او قدرت دارد که هئیت کسی را بر قرار دارد یا عوض کند. در باب آدابهم فی السفر مذکور است. قال الفهائیا موسی فالقها هی حیه تسعی قال خذها ولا تحف سنعیدها سیرتها الاولی طه / ۶۰

خدای تعالی فرمود: ای موسی! این عصار را بیفکن پس موسی آن عصارا افکند که ناگهان از دهایی شد که به هر سومی شنافت. گفت آن را بگیر و نترس ما آن را به صورت اولش باز می گردانیم. (شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۸۸)

از آیت قرآن چه خوب استفاده کرده است و این نیز نوشته است که امم سابق را مسخ صورت بود و این امت محمدی را از مسخ صورت در این جهان نگاهداشته است.

نمونه ای از حدیث قدسی: لایسعی ارضی ولا سمایی و لکن یسعی قلب عبدی المومن عبدالغفور این حدیث قدسی را بیان کرده صراحت می کند که منزلت بنده مومن نزد خدای متعال آن قدر زیاد است می فرماید: در زمین و در آسمان نمی گنجم اما فقط در قلب "عبدی المومن" خداوند قدوس بر عبد ناب خود می نازد که منزل و مقام جای نیست مگر صرفاً دل صاحب ایمان این وسعت را دارا است.

استناد از اقوال مشایخ: عرفت ربی بفسخ العزایم

با شکستن عزایم خود خدای خویش را شناختم، (جوادی، ۱۴۱۷، ۷۱۴)

اهمیت حاشیه:

کتاب نفیسی که در زبان فارسی بی نظیر است، حاشیه کشف المحجوب که گرانها و عالی ترین مظهر تجلای دانش و بینش شرقی است. حاشیه کشف المحجوب از جهات گوناگون با ارزش ترین متون صوفیانه فارسی است. از نخستین آثار است که در تصوف اسلامی پدید آمده است، تأثیری که این حاشیه بر نوشته های صوفیانه بعدی گذاشته است نیز بسیار قابل ملاحظه است. برامهات مسایل تصوف حایز اهمیت بسیار است هم از جهت معرفی بزرگان هم از جهت نظریات بدیع مولف و هم از جهت محتوا.

این حاشیہ از رزشمند ترین ذخایر و منابع غنی و پر بار تصوف اسلامی به زبان فارسی است و مملو از افکار ژرف. نگارنده در این نخستین اثر نثر عارفانه عقاید و عارفان اکابر و فرق و تعلیمات آنان و ارتقاء و پیشرفت تصوف در جهان توضیح داده است. این حاشیہ مطالب تاریخ تصوف اسلامی و جهانی را هم در بردارد.

## منابع:

- ۱- مجاهد علی ، کتابشناسی ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، دانش، جلد ۸۳، ۱۳۸۴ ص: ۲۱۲
- ۲- دکتر محمود عابدی، گفتگو با دکتر محمود عابدی مصحح کشف المحجوب دانش، جلد ۸۳، ۱۳۸۴ ص: ۱۰۴
- ۳- دکتر معین نظامی، کشف المحجوب کا و احمد معلومه حاشیہ، مجله تحقیق، کلیه علوم شرقیہ کاسه ماهی تحقیقی مجله، جلد ۳۵، شماره ۹۵، اپریل تا جون ۲۰۱۴م جامعہ پنجاب لاهور
- ۴- نیشاپوری، عطار (۱۳۷۰) تذکرۃ الاولیاء، به سعی و اهتمام و تصحیح ر نولد ان نکلسن، دنیای کتاب، چاپ سوم، ذکر حاتم اصم، باب ۳۷ ص: ۲۴۷
- ۵- شیرازی، آیة اللہ ناصر مکارم، طہ/۱۶، قرآن مجید، ۱۸۸، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۷، ایران.
- ۶- جوادی، ذیشان حیدر ( ۱۹۹۶/۱۴۱۷) ترجمہ تشریح و تفسیر، نهج البلاغہ، انصاریان پبلی کیشنز، قم جمهوری اسلامی ایران ص: ۷۱۴.

